



آموزش اخلاق در حسابداری:

بررسی علمی و جهانی تعلیم

اصول راهبردی اخلاق در حسابداری

✍ دکتر مهدی علی نژاد ساروکلانی
رحیم معززی حاجیلاری

مقدمه

اصول راهبردی اخلاقی از دیدگاه تجارت جهانی و حسابداری به صورت مسئله‌ای حل نشده باقی مانده است. در پی رفتارهای غیراخلاقی، غیرقانونی و رسواییهای اخیر مالی، این حقیقت بیشتر آشکار می‌شود که به رغم کنترل‌ها و وضع قوانین، عملکردهای اساسی و رفتارهای غیراخلاقی در میان حسابداران وضع بدتری پیدا کرده است. از این رو با توجه به آینده و پیچیده‌تر شدن روز افزون محیط شغلی حسابداران و افزایش میزان رفتارهای غیراخلاقی، در این مقاله سعی شده است مسیرهای متفاوتی در جهت گنجاندن اصول اخلاق در آموزش حسابداری مطرح شود. با توجه به اهمیت مسئله، ابتدا هدف از تعلیم و تربیت اصول راهبردی اخلاقی حسابداری از دیدگاه فدراسیون بین‌المللی حسابداران بررسی شده و سپس به کاستیهای موجود در برنامه تحصیلی حال حاضر پرداخته شده و در نهایت الگوی پیشنهادی برای پایداری اصول اخلاقی حسابداری و تعلیم اخلاقیات، مطرح گشته است.

تفکر و ذهن نیز وجود داشته باشد. زمانی می‌توان به این مهم دست پیدا کرد که مفهوم اصول اخلاقی به‌گونه‌ای درک شود که بتوان چارچوبی در زمینه تعلیم و تربیت طراحی کرد که اجراپذیری داشته باشد. نکته بسیار مهمی که ممکن است مطرح شود، این است که چون اصول اخلاقی به میزان بالایی انتزاعی بوده و ریشه در اعتقادهای بشری و علم فلسفه دارد، ضروری است که یک برنامه تحصیلی در این مورد طراحی شود. اصطلاح آموزش، به معنای «هدایت کردن» است که در اصل به شکوفایی توانایی در یک فرد برای روبه‌رو شدن با زندگی اشاره می‌کند و هدف از آموزش، فقط درک مفاهیم و توسعه مهارت‌ها نبوده، بلکه هدفی بزرگتر را نیز دنبال می‌کند و آن ایجاد شخصیت است.

نقش تعلیم و تربیت در آموزش حسابداری از دیدگاه فدراسیون بین‌المللی حسابداران

مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، این است که نحوه آموزش حسابداری امروزی بر پایه منطق، الگوی مطلوب تعلیم و تربیت تلقی می‌شود؛ الگویی که شخصیت‌سازی را جدا از صلاحیت‌بخشی و آموزش روشها مورد تاکید قرار می‌دهد. فدراسیون بین‌المللی حسابداران از یک آموزش بر پایه اصول اخلاقی، صلاحیت حرفه‌ای و درستکاری فردی پشتیبانی می‌کند. قواعد اخلاقی فدراسیون بین‌المللی حسابداران، اصول بنیادی اخلاق حرفه‌ای را برای حسابداران حرفه‌ای ایجاد و چارچوبی مفهومی برای به‌کارگیری این اصول ارائه

نقش تعلیم و تربیت به‌عنوان ابزاری برای آموزش اصول اخلاقی

با توجه به رسواییهای مالی که طی دهه اخیر در سطح دنیا اتفاق افتاده، تعجب‌آور نیست که قوانین و مقررات سخت‌تر و رسمی‌تری برای اصول اخلاق در نظر گرفته شود. در حرفه حسابداری متعاقب قوانین تنظیم‌شده در راستای جلوگیری از رفتارهای غیراخلاقی و کاهش سواستفاده‌های مالی، فدراسیون بین‌المللی حسابداران چندین اقدام راهبردی را به اجرا گذاشته و استانداردهایی را به‌ویژه در رابطه با اصول اخلاقی، به‌عنوان چارچوبی در نظر گرفته است و همچنان تاکید پافشارانه‌ای بر تکمیل و وضع قوانین رسمی‌تر رفتاری دارد.

برای اینکه قوانین وضع‌شده و استانداردهای موجود بتوانند به‌طور موثری تاثیرگذار باشند، لازم است که ابتدا ارزشهای حرفه‌ای، اصول اخلاقی و عقایدی که حسابداران حرفه‌ای در طول برنامه آموزشی به آنها نیاز دارند، دوباره شناسایی و در راستای صلاحیت‌بخشی به آنها طبقه‌بندی شوند. ارائه یک الگوی آموزشی فقط زمانی می‌تواند به بهترین شکل تاثیرگذار باشد که واقعیتها را ارائه کند، به پیشرفت برنامه کمک دهد و مسئولان را مجاب سازد که الگوی پیشنهادی می‌تواند در صورت منعکس شدن در برنامه درسی، به‌طور مسلم تاثیرگذار باشد؛ در غیر این صورت، ایرادهای گرفته‌شده باعث خواهد شد که تحقیقهای انجام‌شده فقط به‌عنوان یک فعالیت علمی تهی از اجراپذیری باقی بماند. بنابراین دیدگاه ما از تعلیم و آموزش اخلاق حسابداری، پیشنهاد چارچوبی است که دیدگاه کلی‌نگرانه‌ای داشته باشد و این موضوع ملکه ذهن انسان باشد که واقعیت انسان به‌عنوان یک موجود درک‌کننده با یک وجود معنوی، در یک شغل فیزیکی فقط برای هدفهای حرکتی جا گرفته است. این دیدگاه درباره انسان در راستای تعریف علمی تیلر قرار دارد.

هدف تعلیم و تربیت

اعتقاد بر این است که باید یک درک واقعی و هدفی والاتر از تعلیم و تربیت در نتیجه تحصیل اصول راهبردی اخلاق (که به آن اصول اخلاق می‌گویند) وجود داشته باشد. با در نظر گرفتن این موضوع که به چه کسی باید تعلیم و تربیت داده شود و هدف از این تعلیم و تربیت چیست، ضرورت دارد که شفافیت



به‌گونه‌ای طراحی و پیاده‌سازی شود که به استعداد‌های خوب اجازه شکوفایی بدهد. در حوزه حسابداری، این استعدادها شامل ارزش‌های حرفه‌ای، اصول اخلاقی و عقاید آنها است. اصول راهبردی اخلاق حقیقتی است که به سازه‌های مربوط به جنبه غیرفیزیکی انسانها اشاره داشته و به این موضوع تاکید می‌کند که ابزاری که با آن بتوان به این بعد درونی انسانها رسید، باید به صورت یک رابطه قانونی درآید تا که فراگیران حسابداری و هیئت‌های حرفه‌ای درباره آموزش و تربیت افراد بااخلاق، جدی باشند.

با در نظر گرفتن کار هنر به‌وسیله یک هنرمند، می‌خواهیم اصول راهبردی اخلاق را با این موضوع مقایسه کنیم. یک هنرمند حتی پیش از آنکه نقاشی خود را ترسیم کند، تصویر آن قطعه را در ذهن خود نقاشی کرده است. او قادر است برای هر کسی که بخواهد، درباره نقاشی که هنوز ترسیم نشده به صورت واضح توضیح بدهد؛ اما کسانی که گوش می‌کنند، آیا قادر به تصور کردن آن قطعه که هنوز نقاشی نشده، هستند؟ نقاشی که هنوز طراحی نشده در قیاس با اصول راهبردی اخلاق است. اصول اخلاقی راهکارهایی را ارائه می‌کند و فراگیران متعهد می‌شوند تا ارزش‌های راهبردی اخلاق را در وظایف حرفه‌ای خود به اجرا درآورند. با وجود این، تا زمانی که این اثر هنری توسط هنرمند نتواند ثابت بشود، به صورت واقعی و عملی موجود نیست؛ پس قطعه هنری در ذهن هنرمند به صورت پنهان باقی می‌ماند و آنهایی که به کار هنر علاقه‌مند هستند، یعنی حسابداران حرفه‌ای، قادر به درک و تصور صحیح از قطعه هنری و ارزیابی آن نیستند.

کاستیهای برنامه آموزشی موجود

بونک و اسمیت (Bonk & Smith, 1998) در یک بررسی ادعا کردند که نظام آموزش حسابداری به‌منظور بالا بردن مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق برای رویارویی با مسائل اقتصادی جهان در قرن بیست‌ویکم، نیاز به بازنگری دارد. به‌نظر آنها ارائه دروس به‌صورت دانش‌جومحور و نیز ارائه مطالبی که فنون تفکر خلاق و انتقادی را تقویت می‌کند، باید مورد توجه قرار گیرد. **جانستون و بیگز** (Johnstone & Biggs, 1998) نیز طراحی آموزش حسابداری مبتنی بر



تعلیم و تربیت موثر

باید به‌گونه‌ای طراحی و

پیاده‌سازی شود که

به استعداد‌های خوب

اجازه شکوفایی بدهد

می‌کند و چگونگی به‌کارگیری چارچوب مفهومی را در شرایط خاص، برای حسابداران حرفه‌ای تشریح می‌کند. پس می‌توان فهمید که فدراسیون بین‌المللی حسابداران، نقش آموزش در حسابداری را سکویی برای شکل‌گیری ارزشها، اصول راهبردی اخلاق و عقاید حسابداران حرفه‌ای می‌داند.

هدف از آموزش و تعلیم و تربیت اصول اخلاقی

حسابداری - مرکزیت بخشیدن به انسان

نکته درخور بحث در این است که نگاه تعلیم و تربیت به جنبه روحی و معنوی انسان است که نیاز به پرورش و تغذیه بیشتر از طریق آموزش مستمر دارد، نه جسم فیزیکی انسان. پس پذیرفتن این نظر که انسان یک محصول نهایی نیست و بلکه آموزش و تعلیم و تربیت است که به انسان شکل بالقوه بخشیده که در غیر این صورت به صورت نهان و محروم باقی می‌ماند، امری بس طبیعی است. بنابراین، تعلیم و تربیت موثر باید

واقعی زندگی اشاره می‌کند و نه به یک الگوی مثبت علت و معلولی ساخته‌شده بر پایه فرضیه‌های غیرواقعی، بنابراین می‌توان به صراحت گفت که رفتار اخلاقی و عقاید افراد فراتر از پیش‌بینی بوده و نمی‌توان به راحتی تمامی نظریه‌ها درباره اخلاقیات را شناخت؛ چون افراد ممکن است به‌طور اخلاقی رفتار کنند، ولی نه برای اینکه افراد با اخلاقی هستند. بنابر موارد ذکرشده در اینجا، هدفیابی که یک برنامه آموزشی اخلاقی می‌تواند داشته باشد به شرح زیر بیان می‌شود:

۱- آموزش دادن این موضوع که رفتار اخلاقی نتیجه یک عمل آگاهانه و نه تصادفی است و اینکه رفتار یک فرد دارای مفاهیمی برای دیگران است.

۲- سعی در شکل‌گیری و تقویت باورها:

• آموزش به حسابداران که انسانهایی باشند که درست بودن اعمال را به واقعیت تبدیل کرده و به وظایف حرفه‌ای خود با رفتار آگاهانه عمل کنند،

• اینکه رفتار اخلاقی به‌طور درونی برگرفته از اصول بنیانگذاری شده بر قاعده‌های کلی ذات انسانهاست تا قوانین، و

• اینکه از حسابداران حرفه‌ای به‌عنوان امانتهای منافع ملی، رفتار اخلاقی پایداری انتظار می‌رود.

۳- ارائه دانشی از روشها، قوانین و مقررات مربوطی که حسابداران نیاز دارند آنها را به‌عنوان رهنمودهایی در انجام وظایف حرفه‌ای در محیط مالی کنونی بیاموزند و بدانها عمل کنند. باور داریم که تنظیم هدفها مطابق رهنمودهای گفته‌شده بالا، می‌تواند سطح بالاتری از آگاهی و بیداری را نسبت به مسئولیت‌پذیری حسابدارانی که خود را به تعالی می‌رسانند، ارائه کند. در اسلام نیز یکتایی و مبحث توحید، یک اصل اساسی است که مذهب را پایه‌ریزی می‌کند و پیوند و قابلیت حسابداری مخلوقها را نزد پروردگار مورد تاکید قرار می‌دهد. شناخت این یگانگی عمیق این ماهیت را معقول می‌سازد که عمل کردن بر ضد کسی، عمل کردن بر ضد خود است. پس بدون اینکه بخواهیم بحث را به مسئله دیگری تغییر دهیم، بیان این مطلب کافی است که قانونگذاران حسابداری، کانون توجه را در جهت «انسانیت» به‌عنوان انگیزه و محرک برای رفتار اخلاقی تغییر دهند؛ چراکه حسابداران حرفه‌ای انسان هستند و این دلیل برای آنها کافی است تا رفتار اخلاقی خوب

مشکل را که از آموزش پزشکی الهام گرفته شده است، پیشنهاد می‌کنند. به‌طور خلاصه، آموزش مبتنی بر مشکل رویکردی است که به افزایش تخصص تاکید دارد. با همه اینها، تاکید بر نیاز به رعایت اصول اخلاقی، در حالی است که انگیزه درونی ارزش، مورد غفلت قرار گرفته و تمامی برنامه‌های انجام‌شده در امر آموزش، بر اهمیت قوانین اصول راهبردی اخلاق به‌عنوان قوانین خارجی که رفتار اخلاقی انجام می‌دهد، تاکید دارند. تعلیم و تربیت اخلاقیات، باید پیرامون شتاب بخشیدن به کشف خود و ایجاد یک چارچوب قوی و اساسی باشد، نه دور زدن اخلاقیات. درباره روشی صحبت می‌کنیم که با آن یک هدف و یک نتیجه به‌دست آید که دارای معنا باشد. فراهم کردن یک راهکار اجرایی استاندارد جهت اخلاقی کردن حسابداران، غیرممکن می‌باشد؛ در حالیکه راهکار آموزشی مبتنی بر نتیجه برای برخی از روشهای فنی و پایه مهارتی وجود دارد. با توجه به اینکه رفتار اخلاقی به عملکردهای



حسابداران حرفه‌ای

انسان هستند و

این دلیل برای آنها

کافی است تا

رفتار اخلاقی خوب خود را

به واقعیت تبدیل کنند

در این تفکر خواهند بود که آن را به‌عنوان واحد درسی بگذرانند و مدرک مربوط را دریافت کنند. پس ماهیت اصلی مسئله که هدف مهمی است، به‌دست نخواهد آمد. پس پیشنهاد ایجاد یک نیمسال واحد برای موضوع اخلاقیات با توجه به اهمیت موضوع، شاید دور از انتظار نباشد. برای مثال در دانشگاه مالزی طرحی در این زمینه ارائه شده و این موضوع در این طرح مورد تأکید قرار گرفته است. طرح ارائه‌شده به این مضمون است که بدون افزودن یک نیمسال واحد در برنامه آموزشی، خطر عناصر اخلاقیاتی که ممکن است روی دهد، دارای قالب درست و قانونمداری خواهند شد. یک چنین نیمسالی ممکن است مانند یک نیمسال مجزا کارایی واقعی داشته و مقدمه‌ای برای اخلاقیات جهت ترکیب در سرتاسر برنامه تحصیلی باشد.

الگوی پیشنهادی پایدار (مرتبط ساختن هدفهای انسانی با حسابداران)

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، اعتقاد بر این است که تعریف برخی از هدفهای خاص از دید یک انسان که قرار است این نقش را به‌عنوان حسابدار ایفا کند، ممکن است منجر به درک بهتری از این موضوع بشود که تعهد در جهت منافع ملی و حساسیت نسبت به مسئولیتهای اجتماعی وجود دارد. معطوف کردن توجه فراگیران این علم به اصولی که تمایل دارند دانشجویان را به جدا کردن زندگی حرفه‌ای آینده آنها از فضای خصوصی تشویق کنند، مورد تأیید نیست؛ چراکه مانع از آن می‌شود که توانایی آنها برای مرتبط ساختن نیاز به شرکت کردن و مسئولیت‌پذیری در جامعه شکوفا شود. بسیاری از برنامه‌های دانشکده‌های مدیریت در طول سالها دوباره نوشته شده و حتی یک مفهوم جدید مدیریت نیز به‌وسیله گروهی از محققان برجسته با همکاری مدیران کسب‌وکار پیشنهاد شده است (Hamel, 2009). وقتی تصور این باشد که کار مدیریت چیزی جز به حداکثر رساندن ثروت سهامداران نیست، می‌توان گفت که افراد قانونی بودن شرکت را زیر سؤال می‌برند و به هر نحوی که باشد، می‌خواهند به هدف پیشینه کردن ثروت برسند و اینجاست که اخلاقیات زیر پا گذاشته می‌شود. با وجود این، آرزوی ساخت مجدد پایه‌های فلسفی مدیریت جهت اشباع کردن سازمانها و تغییر



آینده حرفه حسابداری

به رهبری اخلاقی

توسط حسابداران حرفه‌ای و

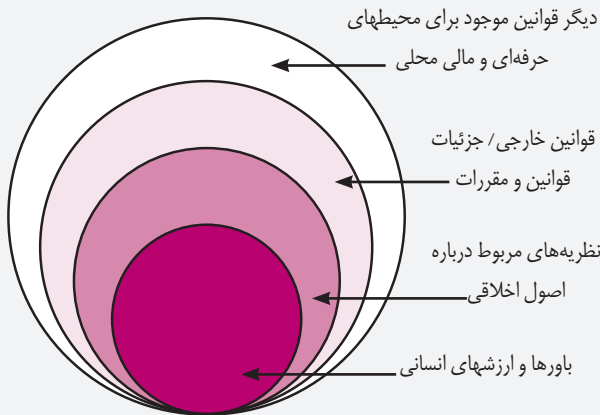
رهبران این حرفه

بستگی دارد

خود را به واقعیت تبدیل کنند. به‌عبارت دیگر، کیفیت انسان منبع اصلی قدرت برای رفتار اخلاقی است و یک حسابدار حرفه‌ای بودن، فقط این منبع قدرت را بیشتر افزایش می‌دهد. باگزینش چنین منطقی، نه‌تنها تعلیم اخلاقیات حسابداری تقدس انسان را برمی‌گرداند، بلکه همراه آن اصول صحیح علمی را نیز مورد حمایت قرار می‌دهد.

با توجه به مسیرهای متفاوت در گنجانیدن اصول اخلاقی در آموزش حسابداری، به‌نظر می‌رسد دو مسئله وجود دارد که علاقه به انجام تعلیم و تربیت اصول اخلاقی را تحت تسلط قرار داده است: ۱- آیا اخلاقیات باید از طریق برنامه تحصیلی ارائه شود؟، و ۲- آنچه را که مسئله باید تشکیل دهد. در نکته اول، تقریباً این همراهی و توافق وجود دارد که اخلاقیات از اهمیت پایمال شده‌ای برخوردار است؛ چون حتی اگر در سرتاسر برنامه تحصیلی هم گنجانده شود، دانشجویان در طول تحصیل فقط

شکل ۱- محتوا و مضمونهای الگوی پیشنهادی تعلیم اخلاق در حسابداری



است، در دایره اول مطرح شده است. معرفی نقش انسان باید منجر به یک درک بهتر همگانی درباره ارزشهای بنیادی انسان بشود که به نوبه خود در نواحی دیگر کاراییهای حسابداری و مدیریت مفید است. دایره دوم، نظریه‌های مربوط به اخلاقیات را پوشش می‌دهد؛ در حالی که دایره بعدی جزئیات قوانین و مقررات مربوط را که حسابداران مجبور به انجام و رعایت آنها هستند، فراهم می‌کند. تمامی این نظریه‌ها و قوانین مطرح شده براساس نظام سیستم ارزشهای انسانی شکل گرفته و ارزشهای انسانی هسته اصلی را تشکیل می‌دهند؛ یعنی حسابداران انسانهایی هستند که نباید این ارزشها را زیر پا بگذارند، بلکه این ارزشها را باید به عنوان محرکی برای رفتار خوب و کارا داشته باشند. دایره نهایی که ارزشهای بنیادی، نظریه‌های مربوط و قوانین موجود را احاطه کرده، هر گونه شرایط قانونی دیگری را ارائه می‌کند که مختص محیطهای حرفه‌ای و مالی محلی است که حسابداران باید بدانها عمل کنند.

برای آموزش دادن، نیاز به آموزش دیدن صحیح وجود دارد؛ چرا که تعلیم‌دهندگان نه تنها آموزش می‌دهند، بلکه جامعه را نیز شکل می‌دهند. **ناش** (Nash, 1991) معتقد است که فراگیران نیاز دارند تا جهت انجام کارهای آموزشی مناسب

عقیده‌های ناصحیح، بیشتر پدیدار شده و تغییر هنجارهای «موثر بودن» و «منفعت» ارزش آفرینی» در بین افراد که برای تحریک کردن قلبهای انسانی و ایجاد سازمانهایی که انسان تقریباً ظرفیت خود را با آن تطبیق داده، بدعت‌گذاری شده است (Hamel, 2009). به نقل از جین جاکوب، محقق که حالت آشفته موجود در یک جامعه ایده‌آل را یک تأثیر مضر دانسته و نبود اطمینان و اعتماد را مورد تأکید قرار می‌دهد، اعتماد را نمی‌توان نهادینه کرد و زمانی که فرسوده می‌شود، احیا کردن آن غیرممکن است.

براکنر (Brackner, 1992) عضو انجمن حسابداران مدیریت امریکا معتقد است که «دانشگاهها، مسئول تأکید بیشتر بر آموزش اخلاق در تصمیم‌گیری هستند، اما اغلب آموزش این ارزشها را نادیده می‌گیرند.» با توجه به این اظهار نظر و بعد از گذشت سالها، آموزشهای اخلاقی حتی بعد از اینکه آسیبهایی بسیار سختی بر پیکره نظام اقتصادی ملی و بین‌المللی وارد شد، همچنان جایگاه خود را به دست نیآورده که این امر نیاز به یک تجدیدنظر اساسی در چارچوب آموزشی را پیش می‌کشد. در غیر این صورت، باز هم باید منتظر این رفتارهای غیراخلاقی از سوی افراد شاغل در این حرفه باشیم. آینده حرفه حسابداری به رهبری اخلاقی توسط حسابداران حرفه‌ای و رهبران این حرفه بستگی دارد.

الگوی پیشنهادی - چارچوب رفتاری


در این الگوی تعلیم اصول اخلاقی، دو موضوع جدید که می‌تواند به برنامه تحصیلی اضافه شود، پیشنهاد می‌گردد.

۱- اخلاق در روابط جهانی، و

۲- اصول اخلاقی براساس ارزش انسان.

با توجه با اینکه فدراسیون بین‌المللی حسابداران درباره انعطاف‌پذیری اصول اخلاقی نسبت به شرایط محلی معتقد است، موضوع جدید دیگری که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد این است که اجازه داده شود اصول اخلاقی براساس یک اختیار قانونی خاص و با توجه به شرایط محلی موجود رفتار شود. در **شکل ۱** محتوا و مضامین الگوی تعلیم اخلاق در حسابداری به‌طور خلاصه نشان داده شده است.

ارزشهای بنیادی انسان که برای رفتار اخلاقی ضروری

رسیده که با جا دادن مفهوم مسئولیت عمومی و اخلاق در متن دوره آموزشی حسابداری و اقتصاد، انواع مهارتهایی که برای رفتار این حرفه لازم است، به رهبران و حسابداران حرفه‌ای آموزش داده شود. بدیهی است با انجام آموزشهای موثر و اصولی، این حقیقت پدیدار خواهد شد که در آینده، حرفه حسابداری می‌تواند به نقش خود در رشد عادلانه اقتصادی و مسئولیت‌پذیری نسبت به عموم و رفاه ملتها ادامه دهد. 

منابع:

- رحمانی زرافشان، افسانه رفیعی، حلیمه رحمانی، بررسی تطبیقی عناوین درسی رشته حسابداری در ایران و سایر کشورها، ۱۳۸۷
- Arfah Salleh and Aziuddin, **A Scientific Worldview of Accounting Ethics and Governance Education: The Right Footing of International Education Standard 4**, Asian Academy of Management Journal, Vol. 17, No. 1, January 2012, pp. 131-150
- Bonk C.J., G.S. Smith, **Alternative Instructional Strategies for Creative and Critical Thinking in the Accounting Curriculum**, Journal of Accounting Education, 16 (2), 1998, pp. 261-293
- Brackner J., **Issues of Management Accounting**, Journal of Management Accounting, 1992
- Hamel G., **Moon Shots for Management**, Harvard Business Review, February, 2009, pp. 91-98
- Jacobsen K.A., **Bhagvadita: Ecosophy T, and Deep Ecology**, Inquiry, 39 (2), 1996, pp. 219-238
- Johnstone K.M., S.F. Biggs, **Problem- Based Learning, Introduction, Analysis, and Accounting Curricula Implications**, Journal of Accounting Education, 16, 1998, pp. 407-427
- Nash R.J., **Three Conceptions of Ethics for Teacher Educators**, Journal of Teacher Education, 42 (3), May-June, 1991, pp. 126-172



در زمینه اصول اخلاقی، به‌طور حرفه‌ای آموزش ببینند. وی معتقد است که اصول اخلاقی که فقط تاکید به قانون داشته باشد، فقط به حل مسائل و بلا تکلیفیه‌های اخلاقی نزدیک می‌شود و ناقص و غیرجامع است. براساس سازه‌های نظری پذیرفته‌شده، وی تاکید به ساختار شخصیت و باورها دارد که در برنامه‌های آموزشی موجود از آن غفلت شده است. در مقایسه با الگوی چارچوب پیشنهادی، دایره اول شامل باورها و ساختار شخصیت است که ناشی به آن اشاره می‌کند. پس ابتدا باید ساختار شخصیتی وجود داشته باشد تا بتوان نظریه‌ها و قوانین مربوط به آن را نیز مطرح کرد.

تعلیم اخلاق در برنامه‌های آموزشی ایران

رحمانی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با بررسی تطبیقی عنوانهای درسی رشته حسابداری طبق برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی با برنامه درسی دانشگاههای معتبر جهان، مواردی را به‌عنوان مغایرت با برنامه درسی موجود در ایران در دوره کارشناسی مشخص کرده که با توجه به آن، اهمیت آموزش اخلاق در دانشگاههای معتبر جهان مشخص می‌شود. در واقع، عنوانهای درسی «اخلاق حرفه‌ای» و «خدمات اعتباردهی و اطمینان بخشی» که جزو دروس دوره کارشناسی در این دانشگاههاست، گویای این موضوع است که آموزش اخلاق حرفه‌ای، اساس این حرفه است و بدون آموزش اصول اخلاقی، فراگیران این حرفه قادر به انجام امور مربوط در آینده شغلی خود نیست و نمی‌توانند نسبت به عموم جامعه مسئولیت‌پذیر باشند. لازم است تجدیدنظری در برنامه‌های آموزش موجود در ایران نیز به‌عمل آید تا فراگیران حسابداری در ایران نیز آموزش ببینند که پذیرش مسئولیت نسبت به عموم جامعه وجه متمایزکننده این حرفه بوده و رعایت اصول حرفه‌ای در وظایف محول شده امر بسیار مهمی است.

نتیجه‌گیری

تعلیم حسابداری براساس هدف صحیح آموزشی بنیانگذاری می‌شود؛ بنابراین بدون در نظر گرفتن این هدف، فراگیران حسابداری بدون آگاهی از اصول و مفاهیم اخلاق حرفه‌ای نمی‌توانند نقش موثری در جامعه ایفا کنند. اینک وقت آن